

شرق روزنامه

یادداشت

آموزش، پایه و اساس دموکراسی است



ناصر فکوهی استاد دانشگاه تهران

در بحث‌هایی که این روزها در همه‌جا جاری هستند، بسیار می‌شنویم که از همه مردم خواسته می‌شود با مشارکت بالا در انتخابات شرکت کنند. نامزدهای انتخاباتی هرکدام تلاش می‌کنند که برنامه‌های خود را برای انتخاب‌شدن، دارای مشروعیت بیشتری نشان دهند. همان‌گونه که من بارها تأکید کرده‌ام، مهم‌ترین رسالت و هدف هر دولتی در ایران، باید ایجاد هرچه‌سریع‌تر «دولت رفاه» و گسترش طبقه متوسط به صورت قابل‌ملاحظه‌ای باشد و برای این کار باید در مقابله با اشرافی‌گری‌های دولتی و خصوصی، به‌سوی بهبود وضعیت مسکن، بهداشت، آموزش و حمل‌ونقل عمومی رفت و برنامه‌های اولیبرالی و خطرناکی را که سرمایه‌داران رانت‌خوار جدید در رؤیای تحقق‌بخشیدن به آنها با بازکردن پای همکاران بیگانه‌شان را دارند، متوقف کرد. اما در بین اینها آموزش، به دو دلیل باید و می‌تواند در اولویت مطلق قرار بگیرد؛ نخست اینکه وضعیت آموزش پیش دانشگاهی در کشور ما بسیار وخیم است؛ کیفیت مدارس دولتی نامطلوبند، دستمزد آموزگاران پایین است، وسایل کمک آموزشی و بناها وضعیت خوبی ندارند و ارزش واقعی و جایگاه والای آموزگاری در جامعه فراموش شده است. دولت باید به نظر من در یک برنامه چهارساله اضطراری، اولویتی مطلق به تغییر این وضعیت بدهد و مدارس دولتی را هرچه‌بیشتر تبدیل به الگویی کند که حتی افراد با وضعیت مالی بالا نیز ترجیح بدهند کودکانشان را به این مدارس بفرستند و نه مدارس خصوصی. این چشم‌انداز البته برای یک دوره چهارساله شاید بیش از اندازه اوتوپایی و ناممکن باشد، اما به هر رو باید آن را از جایی آغاز کرد، اما اینکه اصولا چنین برنامه‌ای اوتوپایی است، کاملا نادرست است زیرا در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، انتخاب مردم، حتی با وضعیت بالای اقتصادی، به طرف سیستم دولتی است، اما اولویت دومی نیز برای رسیدگی فوری به مدارس و طرحی ضربتی برای تغییر و بهبود مدارس دولتی هست و آن اینکه؛ مدرسه و آموزش ابتدایی و متوسطه در همه‌جا جهان امروز، پایه و اساس دموکراسی هستند و اگر ما از مطبوعات آزاد و آزادی مطبوعات و رسانه‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان دموکراسی سخن می‌گوییم نباید فراموش‌کنیم که بدون مردمی که آموزش‌های لازم را دیده باشند، آزادی بیان و درگ مطالب و موقعیت‌ها بی‌معنا هستند. در یک جامعه کم‌سواد یا با کیفیت نامطلوبی از آموزش، آزادی مطبوعات و رسانه‌ها تقریبا به هیچ‌کاری نمی‌آید. چنین جامعه‌ای همواره در خطر بازگشت به سراب‌های یوپولیسم و خیابان‌های آمرانه است.

نگاه

جای خالی برنامه‌های تعلیم و تربیت در انتخابات



امیرعباس میرز اخانی معلم

امروزه مفاهیمی همچون توسعه و توسعه‌یافتگی، رشد و پیشرفت در فعالیت‌ها، کیفیت‌بخشی به امور، بهبود فرایندها و سایر مفاهیم نظیر آن، بدون برنامه‌ریزی معنایی نخواهند داشت. تاکنون بسیاری از کشورهای جهان توانسته‌اند با اتکا به این ابزار قدرتمند (برنامه‌ریزی) نه‌تنها درصدد رفع مشکلات عیدیه خود در بخش‌های مختلف جامعه برآیند، بلکه مسیر توسعه و پیشرفت را در مقایسه با سایر کشورهای جهان برای خود هموار کرده و با سرعتی بیشتر و در زمان کوتاه‌تری به اهداف و مقاصد خود بررسند و از این نظر نیز الگوی مناسبی برای کشورهای عقب‌افتاده و درحال توسعه قلمداد شوند. مسطحات و پژوهش‌های دانشمندان برجسته‌ای همچون سونلیسون، ادینگ، الوین، ماریسون و مایرز همگی به نوعی تأیید این مطلب بود که بین توسعه آموزشی و توسعه‌یافتگی کشورها ارتباط معناداری برقرار است و هم‌بستگی زیادی بین این دو مفهوم وجود دارد. به‌صورتی‌که تا به امروز دانش بشری نتایج فراوانی در موضوع را نفی نکرده بلکه هزینه‌های آموزشی را با عنوان سرمایه‌گذاری‌های آموزشی معرفی کرده و سعی در ترغیب دست‌اندرکاران توسعه جوامع در گرایش به تخصیص امتیاز بیشتر به بخش آموزش می‌کند. این در شرایطی است که انتظار از آموزش‌وپرورش رسمی کشور در بین افراد جامعه دستخوش تحولاتی شده و آموزش که روزی دسترسی به آن برای تعداد زیادی از مردم امری محال و غیرممکن می‌نمود، امروزه با توجه به منشور جهانی حقوق بشر و قوانین اساسی کشورها به‌عنوان یک حق مردمی مطرح شده و روزه‌روز دامنه آن در زندگی روزمره در حال افزایش است. بنابراین هریک از کاندیدها که با رای مستقیم مردم به ساختمان پاستور راه می‌یابد باید برای هر یک از مشکلات مربوط به برنامه‌ریزی‌های آموزشی در داخل آموزش‌وپرورش که در ادامه می‌آید، برنامه عملیاتی و با زمان‌بندی مشخص ارائه دهد:
۱- برنامه‌ریزی‌های آموزشی از جامعیت و هماهنگی لازم با برنامه‌های دیگر دستگانه‌های فرادست برخوردار نیست.
۲- برنامه‌ریزی‌های آموزشی از هماهنگی لازم با برنامه‌های مدیرف و برنامه‌های زیردست برخوردار نیستند.
۳- اعتبار برنامه‌ریزی‌های آموزشی یا تعدیل می‌شوند یا به‌موقع در اختیار قرار نمی‌گیرند.
۴- برنامه‌ریزی‌های آموزشی به دلایل متعدد به‌موقع اجرا نمی‌شوند (عدم رعایت زمان‌بندی اجرایی).
۵- امکانات و منابع و تجهیزات مناسب در اختیار برنامه آموزشی قرار نمی‌گیرد.
۶- منابع انسانی قوی و متناسب با برنامه‌ریزی آموزشی در اختیار قرار نمی‌گیرد.
۷- توجه به سیاست‌زدگی به جای سیاست‌محوری آموزشی در برنامه‌ریزی‌های آموزشی
۸- در اولویت قرارنگرفتن برخی برنامه‌ریزی‌های آموزشی مورد نیاز نه‌تنها در حوزه داخلی، بلکه در حوزه‌های بیرون از آموزش‌وپرورش.
۹- عدم اختصاص مدیریت اجرایی مجرب و ماهر به برنامه‌های آموزشی.

برگی از یک سند

ایران ۱۴۰۴ در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام تربیتی ایران تدوین نقشه راهی برای میانی تعلیم و تربیت در کشور ایران است، در همین راستا سندی با عنوان «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» با الزاماتی برای مجریان آن در سال ۱۳۹۰ در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شد؛ آنچه در این سند از ایران ۱۴۰۴ ترسیم می‌شود، کشوری است که باید جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویتی اسلامی-انقلابی داشته و همچنین از تعاملی سازنده در عرصه بین‌المللی برخوردار باشد.

در مقدمه سند تحول بنیادین، به این نکته اشاره شده است که عرصه تعلیم و تربیت یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های تعالی همه‌جانبه کشور در راستای ارتقای سرمایه انسانی است. در فصل اول سند تحول بنیادین که با عنوان «کلیات» نام‌گذاری شده است، اصطلاحات و واژگان کلیدی به‌کاررفته در سند تعریف شده‌اند. در فصل دوم که «بیانیه ارزش‌ها» نام‌گذاری شده است، پس از بیان منابع ارزشی سند، به ۳۰ گزاره ارزشی که محور نظام تعلیم و تربیت است، اشاره شده است.

فصل سوم تحت عنوان «بیانیه مأموریت» به این نکته اشاره دارد که نهاد آموزش‌وپرورش مأموریت دارد با تأکید بر شایستگی‌های پایه، زمینه دستیابی دانش‌آموزان در سنین لازم‌التعلیم در ۱۲ پایه تحصیلی (چهار دوره سه‌ساله)، به‌متراتبی از حیات طیبه در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی و حتی جهانی را به‌صورتی منسجم در ساختاری کارآمد فراهم کند.

فصل چهارم که «چشم‌انداز» نام‌گذاری شده است؛ به ویژگی‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در افق ۱۴۰۴ می‌پردازد. فصل پنجم «هدف‌های کلان» نام‌گذاری شده که در مجموع به هشت هدف کلان زیر اشاره شده است. در فصل ششم ذیل عنوان «راهبردهای کلان» در مجموع ۱۵ راهبرد کلان اشاره شده است، همچنین به این موضوع پرداخته که هر یک از این راهبردهای کلان با کدام‌یک از اهداف کلان متناظر است؛ اما مفصل‌ترین فصل سند تحول بنیادین، فصل هفتم است که ذیل عنوان «هدف‌های عملیاتی و راهکارها» نام‌گذاری شده است. در این فصل، در مجموع فهرست ۲۳ راهکار کلی مختلف بیان شده که در ذیل هر راهکار، جزئیات اجرایی و عملیاتی آن نیز مطرح شده است. در نهایت، فصل هشتم سند تحول بنیادین ذیل عنوان «چارچوب نهادی و نظام اجرایی تحول بنیادین آموزش‌وپرورش» نام‌گذاری شده است. در این فصل به این موضوع پرداخته شده که تحقق اهداف سند ملی آموزش‌وپرورش در دو سطح انجام می‌شود؛ سطح اول، سیاست‌گذاری کلان و همچنین نظارت و ارزیابی راهبردی فرایند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی به پایه این سند است که این مهم بر عهده شورای عالی انقلاب فرهنگی است. سطح دوم مربوط به برنامه‌ریزی و نظام اجرایی است که در وهله اول شورای عالی آموزش و پرورش و آموزش‌وپرورش مسئولیت

فرارغ‌التحصیل تربیت‌معلم داشتیم و امکان جذب نداشتیم و بنابراین اعلام شد هرکسی فارغ‌التحصیل شده و نیاز به جذب نیست می‌تواند بیرون برود و کار دیگری انجام دهد. روش هوشمندانه این است که دانشگاه فرهنگیان را در حد نیاز مستمر سالانه معقولی که داریم توسعه دهیم و بقیه را به‌عاکگیری ظرفیت‌های دیگر گسترش دهیم. دانشگاه فرهنگیان به‌عنوان تنها مسیر ورود معلمان به آموزش‌وپرورش باقی بماند و ظرفیتش هم به‌صورت مستمر پاسخ‌گو باشد. باید استراتژی‌ای انتخاب شود تا دولتی که ۳۰ سال دیگر سر کار می‌آید با چالش دولت امروز مواجه نشود.



آنچه کاندیداهای ریاست‌جمهوری ندیدند

«تأمین نیروی انسانی» بحران آموزش‌وپرورش دولت دوازدهم

حدود ۹۵درصدی پیش‌بینی شده که اکنون به ۸۷ درصد پوشش رسیده است.

همچنین در حوزه‌های دیگر مانند توسعه فعالیت‌های فنی و حرفه‌ای که یکی از دغدغه‌های امروز جامعه است دولت اقدامات خوبی انجام داده است. در دولت قبل در یک سال تحصیلی هزارو ۶۶۰ هنرستان جدید ایجاد شد و جالب است که در آن سال کل بودجه تجهیزاتی ما پنج میلیارد و ۹۰۰ میلیون بود که اگر به همین هزارو ۶۶۰ هنرستان تقسیم کنیم، می‌بینیم به هر هنرستان چه می‌رسیده. درواقع با کدام تجهیزات و امکانات این هنرستان‌ها ایجاد شدند.

دولت یازدهم سیاستش را توسعه همراه با کیفیت قرار داد؛ یعنی هم جمعیت تحت پوشش افزایش پیدا کند و هم بتواند امکانات و تجهیزات لازم را فراهم کند تا کیفیت برای آموزش تحقق پیدا کند. به همین جهت یکی از اقدامات خوبی‌که دولت انجام داد این بود که یک ردیف اختصاصی در ردیف‌های آموزش‌وپرورش با مبلغ ۶۰ میلیارد تومان ایجاد کرد تا دانش‌آموزان کارودانشی که بیرون از آموزش‌وپرورش کار فنی یاد می‌گیرند منابع مالی‌شان را دولت پیش‌بینی کند. در قانون برنامه ششم و در قانون بودجه، سهم خاصی برای تجهیز هنرستان‌ها دیده شده که قابل‌توجه است. به نظر می‌رسد با این برنامه‌ای که تدارک دیده شده، تجهیز هنرستان‌ها و استخدام بیش از دوهزارو ۸۰۰ استادکار در همین دو سال قیل و ورود آنها به هنرستان‌ها و تربیت هنرآموزان، درواقع ارتقای کیفیت آموزش فنی و حرفه‌ای را شاهد هستیم. برنامه دیگری که هم به کیفیت‌بخشی فارغ‌التحصیلان کمک می‌کند و هم به تحقق شعارهای اقتصادی مانند تولید و اشتغال، برنامه جامع آموزش کارآفرینی است که آموزش‌وپرورش از سه سال قبل آغاز کرده و اکنون نتیجه داده و هرروز در یک استان بازارچه دانش‌آموزی اتفاق می‌افتد. آن هم برای دانش‌آموزان اول متوسطه. با استمرار برنامه‌های کارآفرینی، موضوع اشتغال کشور از دغدغه دولت و مسئولان به دغدغه دانش‌آموزان منتقل می‌شود و در نتیجه مردم خودشان اشتغال ایجاد می‌کنند و این یک تحول بسیار بزرگ برای حل مسئله اشتغال در جامعه است.

۴ در سال‌هایی که گذشت، کم‌کم شرایطی برای اقتصاد ایران پیش آمد که معیشت و تأمین نیازهای اولیه دغدغه بسیاری از خانواده‌های ایرانی شد و معلمان نیز از این روند بی‌نصیب نبودند. مسئله معیشت معلمان مدام مورد مطالبه قشر فرهنگی بوده و البته در برخی شعارهای انتخاباتی کاندیدها هم مورد استفاده ابزاری قرار گرفت. اگر این روال ادامه پیدا کند ممکن است مسئله معیشت معلمان برای دولت دوازدهم محل آسیب جدی در حوزه آموزش‌وپرورش باشد؟

آنچه در دولت یازدهم برای افزایش حقوق معلم‌ها رخ داده درواقع به‌نوعی جبران عقب‌ماندگی‌های گذشته بوده و قطعاً منظور این نیست که در شان و منزلت معلمان کاری انجام شده است. درواقع زیرساختی برای جهش‌های بعدی ایجاد شده است. دولت کاری که انجام داده مبنّا را بالا آورده که اگر اکنون ۱۰ یا ۱۵ درصد افزایش ایجاد می‌کند عددی قابل‌توجه شود

آنچه در دولت یازدهم برای افزایش حقوق معلم‌ها رخ داده درواقع به‌نوعی جبران عقب‌ماندگی‌های گذشته بوده و قطعاً منظور این نیست که در شان و منزلت معلمان کاری انجام شده است. درواقع زیرساختی برای جهش‌های بعدی ایجاد شده. وقتی دولتی می‌آید، حقوق معلم‌ها را ۲۶ درصد افزایش می‌دهد؛ اگر این حقوق یک‌میلیون باشد، می‌شود هزارو ۲۶۰ هزار تومان و اگر دومیلیون باشد می‌شود دو میلیون ۵۲۰ هزار تومان و قطعاً این افزایش در دومی چشمگیرتر است. دولت کاری که انجام داده مبنّا را بالا آورده که اگر اکنون ۱۰ یا ۱۵ درصد افزایش ایجاد می‌کند عددی قابل‌توجه شود. البته به نظر می‌آید با مصوبه‌ای که در بودجه ۹۶ آمده ظاهراً فرصت خوبی است که یک دگرگون‌سازی در نظام پرداخت معلمان انجام شود تا بتوان بحث معیشتی همکاران را متناسب کرد. در گزارش ۲۰۱۵ تیمز نکته جالبی وجود داشت. این گزارش دارای دو گروه سؤال است. بخشی از سؤالات مربوط به دانش‌آموز است و بخش دیگر سؤالات زمینه‌ای است که نشان می‌دهد اگر کشوری موفق است، چه زمینه‌هایی این موفقیت را ایجاد کرده. همچنین یک مجموعه چهارسؤالی است که جمع‌بندی آن رضایت شغلی معلمان را نشان می‌دهد. باوجود اینکه در همه این سال‌ها دغدغه‌ها و دل‌نگرانی‌های بسیاری را از معلمان عزیز می‌دیدیم، اما معلمان در کشور ایران در بین کشورهای جهان از نظر رضایت شغلی رتبه اول را دارند. این هم چیزی است که خود معلمان اظهارنظر کرده‌اند. درواقع معیشت دغدغه است، اما اسبابی برای عدم رضایت نیست. اگر دغدغه است، اما همچنان رضایت در جامعه فرهنگی ما برای شغل معلمی و رسالت و مسئولیتی که انتخاب کرده‌اند بالاست و معلمان با عشق و علاقه کار می‌کنند. به‌همین دلیل است که با همه کمبودها، آموزش‌وپرورش کارنامه‌ای پدیرفتنی دارد. بنابراین به نظر می‌آید باوجود این

اعظم پویان؛ در روزهای پرتلاطم رقابت‌های انتخاباتی که گذشت، جای خالی آموزش‌وپرورش در برنامه‌های انتخاباتی کاندیداهای ریاست‌جمهوری چیزی جز حسرت برای اهالی آموزش باقی نگذاشت. سال‌هاست که در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای کشور غبار فراموشی بر جایگاه و نقش مهم آموزش‌وپرورش نشسته است و کمترآداده‌ای برای زدودن این غبار دیده می‌شود. «علی زرافشان»، معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش‌وپرورش، در گفت‌وگو با «شرق»، به آسیب‌شناسی این غفلت می‌پردازد و از بحران‌هایی که آموزش‌وپرورش دولت دوازدهم باید با آن دست‌وپنجه نرم کند، سخن می‌گوید:

۴ چرا آموزش‌وپرورش موضوع اول برنامه‌های تبلیغاتی کاندیداهای ریاست‌جمهوری نبود؟

برخی از کاندیدها در شعارها جهت‌گیری‌شان به سمتی بود که بتوانند کسب آرای بیشتری داشته باشند. به‌ویژه اگر در حوزه معلمان می‌خواستند وارد شوند باید درباره منزلت و معیشت معلمان صحبت‌های روشنی می‌کردند که شاید امکان اجرای آن برایشان فراهم نمی‌شد. باوجود اینکه بخشی از بحث‌هایی هم که مطرح شد تزریق پول به جامعه بود اما راجع به فرهنگیان هیچ‌گونه بحثی مطرح نشد. آقای روحانی در این چهار سال زیرساخت‌هایی را برای جبران و به‌روکردن مسئله آموزش‌وپرورش در عرصه‌های مختلف و از جمله منزلت و معیشت فراهم کردند. این زیرساخت‌ها کمک کرده به اینکه آموزش‌وپرورش یک چشم‌اندازی برای آینده داشته باشد. طبق مصوبه مجلس، افزایش حقوق کارکنان دولت و از جمله معلمان باید برابر با میزان تورم باشد اما در دولت گذشته هیچ‌گاه برابر نبود و همین باعث شد هیچ‌گاه افزایش حقوق برابر نباشد و با توجه به تورم، قدرت خرید معلم‌ها کاهش پیدا کرد. آنچه در این دولت اتفاق افتاد این بود که در این چهار سال همیشه افزایش حقوق معلمان و کارکنان بیش از تورم بود. درواقع یک قدم برای به‌روزکردن آن عقب‌افتادگی حقوق معلمان انجام شد. ایرادی که برخی کاندیدها می‌گرفتند و تبیین آن برای معلمان خوب است این است که می‌گویند دولت بودجه جاری‌اش را دوبرابر کرده اما نمی‌گویند بودجه جاری چیست؟ بودجه جاری یعنی حقوق. این یک برگ برنده برای دولت یازدهم است نه ابهام و سؤال. درواقع دولت در یک اقدام مبنایی رفته جایی پاداشی پرداخت کند، بلکه حقوق را افزایش داده است و به حدی رسانده که اکنون بیش از ۱۱۰ درصد حقوق کارمندان دولت افزایش پیدا کرده است. همین مبنایی است برای افزایش سال‌های بعد بنابراین چشم‌انداز خوبی از جهت معیشت در میان فرهنگیان ایجاد شده است. در مصوباتی که دولت در قانون بودجه ۹۶ و برنامه ششم پیش‌بینی کرده مسئله پرداخت خاص فرهنگیان است که در سند تحول هم پیش‌بینی شده و دولت تا پایان اسسال باید قوانین آن را تهیه کند و برای تصویب به مجلس برود. درواقع همین هم بنای خوبی است که گذاشته شده بنابراین دولت در حوزه معلمان اقدامات خوب زیرساختی‌ای انجام داده که با کارهای می‌جانی و دفعی کاملاً متفاوت است و روالی ایجاد کرده‌اند که در این روال معلم‌ها جایگاه خاص خودشان را داشته باشند.

۴ معمولاً یک نگاه کُتی به برون‌داده‌های نظام آموزش‌وپرورش وجود دارد مانند ساختار نمره‌محور یا آموزش مبتنی بر کنکور و حتی بعضاً کلاس‌های پرورشی به کلاس تقویتی برای کنکور تبدیل می‌شوند؛ به نظر شما تا چه اندازه دولت آینده می‌تواند اهدافش را بر کیفیت آموزش بگذارد؟
اگر دولت بعد راهبرد کیفیت، راهبرد اهربرد اصلی‌اش باشد و بخواهد به مسئله کیفیت بپردازد و همین برنامه‌هایی که ذیل راهبرد کیفیت تعریف شده را استمرار دهد، می‌تواند موفقیت‌هایی کسب کند. دولت یازدهم توانست کیفی‌سازی آموزش‌وپرورش را در این چهار سال مدیریت کند. در بحث کیفی‌سازی یکی از مواردی که دولت یازدهم توانست به‌خوبی مدیریت کند استقرار ساختار جدید آموزشی بود که به دوره متوسطه رسید و تا سال ۹۷ که ۱۲ پایه مستقر می‌شود. کاری که دولت یازدهم انجام داد این بود که باوجود چالش‌های بسیاری که به دلیل انتخاب غلط ساختار وجود داشت و باعث شد دولت درگیر مسائل و چالش‌های اجرایی پیچیده‌ای شود رویکردش را رویکرد ارتباط کیفیت قرار داد. سعی شد تا در عین مدیریت استقرار ساختار و چالش‌های ناشی از آن کیفیت در تعلیم و تربیت فدا نشود. به همین دلیل در شاخص‌های ملی و بین‌المللی دیده می‌شود که کیفیت نه‌تنها حفظ شد، بلکه افزایش هم داشته است. برای مثال نمرات امتحان نهایی دانش‌آموزان بیش از دو نمره افزایش داشته یا در درشاخص پوشش تحصیلی دانش‌آموزان که در دوره اول متوسطه ۹۴ درصد است، بیش از پنج درصد افزایش داریم. در دوره دوم متوسطه نیز با ۸۲ درصد پوشش، بیش از چهار درصد افزایش پوشش داریم. اگر به این نرخ پوشش جذب کودکان بازمانده از تحصیل را نیز اضافه کنیم در دوره اول متوسطه پوشش از ۹۴ درصد به ۹۷ درصد افزایش پیدا می‌کند و فقط سه درصد از دانش‌آموزان گروه سنی ۱۲ تا ۱۴ سال الان در مدرسه نیستند. در دوره دوم متوسطه نیز ۸۲ درصد به ۸۷ درصد افزایش پیدا می‌کند. در نقشه جامع علمی کشور پوشش